

A Study and Analysis of the Characteristics of Populism in George Orwell's Animal Castle

Vahid Sajjadifar¹

Abstract

Populism is a component, which is mentioned in social sciences and politics. It emphasizes on the centrality of the peoples role and public will, with the slogan of defending their lost rights against the predominant intellectual class. This action has influenced on authors minds and writings in the field of Fiction, in different ways. Populism has positive features, but in most cases, because of the some deviations, takes on a completely negative face, to the extent that, this contradictory feedback is considered as the real features of Populism. Animal Farm by George Orwell is one of the bright manifestations of populist social system in the field of Fiction, in which, the writer has modeled a democratic movement with a populist face, by using Fabula (Fable) format and visualizing of symbolic animal features. In this analytical-comparative essay, the features of Populism in Animal Farm story are considered and their existence is proved. In addition, the procedure of changing of the feature functions and also modeling from a Populistic revolution is considered and explained. The results indicate that this story, visualizes a Populistic system in which, the positive Populism features, over time, turn into negative ones.

Key words: George Orwell, Animal Farm, Features, Populism, Social and Political system.

¹PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran vahid.sajjadifar1984@gmail.com

Date of receipt: 2020-10-07, Date of acceptance: 2021-02-24

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی و تحلیل مشخصه‌های پوپولیسم در داستان «قلعه حیوانات» اثر جورج اورول (مقاله پژوهشی)

وحید سجادی‌فر*

چکیده

«پوپولیسم» (populism)، از جمله مؤلفه‌های مطرح در علوم اجتماعی و سیاست است که با تأکید بر محوریت نقش و خواست عامه مردم و با شعار دفاع از حقوق از دست‌رفته ایشان در مقابل طبقه روشنفکر حاکم، به اشکال گوناگون بر ذهن و قلم نویسندگان در حوزه ادبیات داستانی تأثیر نهاده است. پوپولیسم دارای مشخصه‌های مثبتی است که در بیشتر موارد بر اثر برخی انحرافات، چهره کاملاً منفی‌ای را به خود می‌گیرد؛ تا جایی که این بازخورد متضاد، مشخصه‌های واقعی پوپولیسم تلقی می‌شوند. داستان *قلعه حیوانات* اثر «جورج اورول» (George Orwell) یکی از نمودهای روشن نظام اجتماعی پوپولیستی در ادبیات داستانی است که نویسنده در نگارش آن، با استفاده از قالب «فابل» (Fabula) و ترسیم شخصیت‌های نمادین حیوانی، یک جنبش مردمی با چهره پوپولیستی را در داستان خود الگوبرداری کرده است. در این مقاله که با روش تحلیلی-تطبیقی است، کوشش شده است که ضمن بررسی و اثبات وجود مشخصه‌های پوپولیسم در متن داستان «قلعه حیوانات»، روند تغییر کارکرد مشخصه‌های آن و نیز الگو گرفتن این داستان از یک انقلاب پوپولیستی بررسی و تبیین شود. یافته‌های این مقاله حاکی از این امر است که این داستان ترسیم‌کننده یک نظام پوپولیستی است که در روند روایت آن مشخصه‌های مثبت پوپولیسم به مرور، تبدیل به مشخصه‌هایی منفی می‌شود.

* دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
vahid.sajjadifar1984@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶

۱. مقدمه و بیان مسأله پژوهش

ادبیات همواره عرصه‌ای برای بازتاب تحولات گوناگون در جوامع بشری بوده است؛ به همین سبب بسیاری از مؤلفه‌های علوم اجتماعی و علوم سیاسی در گونه‌های مختلف ادبیات ورود و بروز یافته‌اند، به زبان دیگر؛ باتوجه‌به این امر که خواستگاه ادبیات چیزی جز جوامع بشری نیست، ادبیات هم می‌تواند آینه‌ای برای انعکاس و بیان بسیاری از چالش‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی و اجتماعی محسوب گردد. پوپولیسم یا عوام‌گرایی، از جمله مؤلفه‌های مطرح در علوم اجتماعی و سیاست است که به اشکال گوناگون در آثار ادبی معاصر نمود یافته است؛ تا به جایی است که حتی به صورت یک مکتب ادبی کاملاً مستقل به نام «مکتب ادبی پوپولیسم» در ادبیات مطرح شده است؛ پوپولیسم در واقع به جریانی اطلاق می‌شود که بنیان اصلی آن با تأکید بر محوریت خواست و نقش طبقات متوسط و پایین جامعه در ساختار نظام‌های انقلابی و دفاع از حقوق از دست‌رفته ایشان در برابر طبقه روشنفکر و حاکم‌شده آن جامعه، بنا نهاده شده است؛ اما این جریان با وجود داشتن مشخصه‌ها مثبت به مرور و در شرایط واقعی، چهره متضادی را به خود می‌گیرد که در آن تمامی مشخصه‌های مثبت، به مشخصه‌های منفی تبدیل می‌شوند؛ تا جایی که همین مشخصه‌های منفی است که چهره واقعی پوپولیسم را ترسیم می‌کنند.

قلعه حیوانات جورج اورول، از جمله داستان‌های تمثیلی در ادبیات داستانی معاصر جهان است که از نظر موضوعی داری پس‌زمینه اجتماعی و سیاسی است که در قالب فابل، تحولی انقلاب محور در یک جامعه نمادین (قیام حیوانات بر ضد انسان‌ها و راندن آن‌ها مزرعه) را ترسیم می‌کند که به مرور، به سبب برتری جویی گروهی از حیوانات باهوش‌تر (خوک‌ها)، بر سایر حیوانات؛ دچار شکافی طبقاتی می‌شود که همین امر ساختار حاکمیتی گذشته را در قالبی جدید در مزرعه بازآفرینی می‌کند. به

همین دلیل داستان *قلعه حیوانات* دارای ویژگی‌های خاصی است که سیر روایی آن می‌تواند شباهت زیادی با سیر شکل‌گیری یک نهضت پوپولیستی داشته باشد. باتوجه‌به مطالب بالا، در این پژوهش دو پرسش عمده مطرح می‌گردد:

۱. آیا داستان *قلعه حیوانات* می‌تواند یک داستانی الگو گرفته از جریانات پوپولیسمی باشد؟

۲. در صورت پوپولیسمی بودن ساختار محتوایی این داستان، کدام مشخصه‌های پوپولیسم در این داستان قابل تبیین است؟

باتوجه‌به موارد یادشده؛ در این جستار، این فرضیه مطرح می‌شود که داستان *قلعه حیوانات* از نظر محتوایی، از شیوه شکل‌گیری و سرانجام جریانات پوپولیستی الگو برداری شده است و در روند روایی آن به مرور، مشخصه‌های مثبت پوپولیسم، به مشخصه‌های منفی تبدیل می‌شوند. در این پژوهش که به شیوه تحلیلی - تطبیقی است، کوشش می‌شود که ضمن ارائه تعریفی روشن از پوپولیسم و مشخصه‌های واقعی آن و نیز بیان شرح مختصر از داستان *قلعه حیوانات*؛ رد پای پوپولیسم در روند روایی این داستان بررسی و واکاوی شود.

۱-۱. پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های گوناگونی درباره داستان *قلعه حیوانات* و نیز پژوهش‌ها بین رشته‌ای ادبیات و علوم اجتماعی؛ خصوصاً مؤلفه پوپولیسم، نمودها و کارکردهای آن در ادبیات و نیز جایگاه آن در علوم سیاسی، اجتماعی به زبان فارسی انجام گرفته است که برخی از آن‌ها به این قرار است؛ عباسی (۱۳۹۹) با بررسی ادبیات داستانی اواخر دوره قاجار و اوان انقلاب مشروطیت، شکل‌گیری رمان فارسی را متأثر از ایدئولوژی‌های سوکولاریسم (Secularism) و فردگرایی دانسته است. مختاری (۱۳۹۸) بر اساس نظریه جامعه‌شناختی ژرژ لوکاک (George Lukacs) و لوسین گلدمن (Lucien Goldman) به واکاوی رمان *آتش به اختیار* محمدرضا بایرامی پرداخته است و به این نتیجه رسیده است نویسنده در ساختار روایی این رمان از مؤلفه‌های گوناگون فرهنگ

عامه در قالب یک رویه واحد سود برده است. دلیری پور (۱۳۸۹) بحث روند شکل‌گیری نظام پوپولیسمی را در انقلابات مردمی بررسی کرده است و در پایان به این نتیجه می‌رسد که زمینه شکل‌گیری پوپولیسم با ادغام خرده‌فرهنگ‌ها، ملت‌سازی و نفوذ در پیرامون از راه کنترل آمرانه صورت می‌گیرد. ساجدی (۱۳۸۸) به بررسی مبادی پوپولیسم فرانسه و ابعاد ادبی اروپایی آن پرداخته است و در پایان بیان می‌کند که ادبیات مردمی با گرایش پوپولیسمی از قرن نوزدهم و در میان نویسندگان فرانسوی و سپس سایر کشورهای اروپایی گسترش یافته است. مشایخی و پارسا (۱۳۹۴) مؤلفه‌های پوپولیسم را که بیشتر بر جنبه‌های مردمی و مثبت آن تأکید دارد، در چند داستان منتخب بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که پوپولیسم نه به شکل مخرب؛ بلکه به شکلی کاملاً مثبت و سازنده در این داستان‌ها نمود یافته است. زیباکلام و همکاران (۱۳۹۰) گفتار پوپولیستی در مطبوعات ایران را بررسی کرده‌اند و در پایان بیان می‌کنند که روزنامه کیهان نسبت به روزنامه اعتماد، پتانسیل بیشتری برای گرایش به گفتار پوپولیستی دارد. حاتمی (۱۳۹۴) مؤلفه پوپولیسم را در رژیم پهلوی دوم بررسی کرده است که در نتایج آن بیان می‌کند که دولت پهلوی از پوپولیسم به‌عنوان ابزاری برای مقابله با نفوذ طبقات بالا مانند ملاکین و زمین‌داران سود برده است و از همین راه توانسته است تشکل‌های صنفی مستقل را برچیده، تشکل‌های وابسته را جایگزین کند. توفیق فر (۱۳۸۸) نظام استعماری را در قلعه حیوانات مورد نقد و تحلیل قرار داده است بیان می‌کند که قلعه حیوانات؛ داستانی برای تخریب چهره انقلابات مردمی است که در ضمن آن جریانات استعماری قابل هضم و پذیرش می‌شد. عزیز محمدی (۱۳۹۶) بحث تمثیل و نماد را در این داستان بررسی کرده است و این داستان را منبع عظیمی از زیبایی‌شناختی با نگرش سیاسی دانسته است. قوام و بهنام (۱۳۹۰) به مقایسه تحلیلی شخصیت‌های این داستان و شخصیت‌های داستان‌های کلیله و دمنه نصرالله منشی پرداخته است و وجوه مشترک فراوانی میان جایگاه و کارکردهای شخصیت‌ها این دو اثر را بیان کرده‌اند. اسدی (۱۳۹۶) مبحث بلوغ فکری سیاسی و تأثیر آن در شکل‌گیری یک

بررسی و تحلیل مشخصه‌های پوپولیسم در داستان «قلعه حیوانات» اثر جورج اورول؛ سجادی فر ۱۶۷

انقلاب موفق را بر اساس داستان قلعه حیوانات تحلیل کرده است و در نهایت بر اساس این داستان به تبیین نظامات توتالیتری (Totaliter) پرداخته است. با توجه به موارد یاد شده و جستجوهای فراوان در سایت‌های علمی و پژوهشی، مقاله‌ای که در آن به بررسی مشخصه‌های پوپولیسم در داستان قلعه حیوانات پرداخته باشد، یافت نگردید.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. ادبیات داستانی، سیاست و علوم اجتماعی

تأثیرپذیری و تأثیرگذاری ادبیات و علوم اجتماعی و سیاست از یکدیگر، همواره یکی از برجسته‌ترین موضوعات مطرح در پژوهش‌های تطبیقی بین‌رشته‌ای بوده است؛ در این بین تأثیرپذیری ادبیات داستانی از علوم اجتماعی و سیاست بسیار پررنگ‌تر از انواع دیگر ادبی است. در واقع «رمان از نظر شکل و محتوا نسبت به بقیه هنرها، شاید به جز سینما، به‌طور مستقیم‌تر از پدیده‌های اجتماعی مایه می‌گیرد» (زرفا، ۱۳۸۸: ۹). به عبارتی روشن‌تر «آثار ادبی از منابعی هستند که به‌صورت غیر مستقیم و ناخودآگاه، ساختار اجتماعی را تحلیل و تفسیر می‌کنند» (کوثری، ۱۳۷۹: ۱۵). به همین خاطر است که بسیار از اندیشمندان رمان‌ها را آینه‌هایی می‌دانند که به اشکال گوناگون واقعیت‌های جامعه را در خود انعکاس می‌دهند؛ بنابراین می‌توان گفت بین «رمان و واقعیت‌های اجتماعی شباهت ساختاری وجود دارد» (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

رابطه‌ی ادبیات و به‌ویژه شاخه‌ی ادبیات داستانی با علوم اجتماعی و سیاست تا جایی است که گاه می‌توان آنها را از یک شاخه به حساب آورد، چرا که «ادبیات از ذات اجتماعی می‌تراود... و پا به پای تحولات جامعه، تحول می‌پذیرد» (آریان پور، ۱۳۵۴: ۷۶). با این وجود، نباید از نظر دور داشت که ادبیات داستانی همواره در تطبیق کامل با واقعیت‌های اجتماعی نبوده و گاه با استفاده از ابزارهای گوناگون به صورت ضمنی،

به تبیین آن‌ها می‌پردازد و خالقان آثار ادبی از انواع ادبی‌ای چون: فابل، رمان، داستان، شعر و ... استفاده می‌کنند تا واقعیات جامعه را به شکل تأثیرگذارتر به مخاطب انتقال دهد؛ به همین سبب، یک «اثر خود واقعیت نیست، بلکه شکل خاصی از بازتاب واقعیت است» (سلدن و دویدوسون، ۱۳۷۷: ۱۰۲).

۲-۲. پوپولیسم

ریشه واژه پوپولیسم از واژه لاتین «Popularis» و یا «Populus» است (رحیق اغصان، ۱۳۸۴: ۳۰۵) که «به معنای توده مردم یا عامه گرفته شده است» (آقابخشی و افشار زاده، ۱۳۷۴: ۲۴۶)؛ جریان پوپولیسم در واقع حاصل تلاشی بود که «در سال ۱۸۷۴م. از سوی مردان و زنان جوان روس، علیه روشنفکران و نظریه‌پردازان جامعه آن روز روسی انجام گرفت» (تاگاران، ۱۳۸۱: ۷۳). اشخاصی که به دنبال انقلابی اساسی در ساختمان و ساختار حکومت حاکم در کشور بودند و «هدف اصلی‌شان واداشتن دهقانان بر ضد رژیم تزاری بود» (همان: ۷۳). این‌گونه تفکرات با قیام بلشویک‌ها (Bolsheviks) در سال ۱۹۱۷ میلادی به اوج خود رسید که در جریان آن بخشی از نخبگان جامعه روسیه - معروف به ناوردنیک‌ها (narodnikis) که خود از جوامع روستایی نبودند، دست به ستایش دهقانان زدند و با استفاده از این کار به جستجوی اهداف خود پرداخته‌اند (همان: ۷۴). پوپولیسم حتی در ادبیات هم جریانی مکتب‌وار را ایجاد کرد که آن را گروهی از نویسندگان فرانسوی پایه‌گذاری کردند (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۳۳۹).

پوپولیسم که در زبان فارسی معادل واژه‌های عوام‌گرایی و مردم‌باوری استعمال شده است، در هر جامعه و به هر شکلی که نمود یابد، دارای چند ویژگی کلی به شرح ذیل است:

- جذب پشتیبانی مردم با استفاده از وعده‌های کلی و مبهم، و معمولاً تحت کنترل رهبر فرهمند و شعارهای ضد امپریالیستی بر حکومت.

- پیشبرد اهداف سیاسی غیر وابسته از نهادها و احزاب موجود با فراوانی توده مردم به اعمال فشار مستقیم.
- بزرگداشت مردم با اعتقاد به اینکه هدف‌های سیاسی باید به اراده و نیروی مردم و جدا از احزاب یا سازمان‌های سیاسی پیش برود (همان: ۷۴).
- به این ترتیب جریانات پوپولیستی بر این پایه قرار گرفته که حکومت، چیزی جز خواست مردم نیست و آنچه خواست مردم است، همان هدف، پایه و اصول حکومت است. در انقلاب‌ها و حکومت‌های پوپولیستی اصول و قوانین وضع شده در تطابق با نوع اندیشه و فرهنگ و حتی گاه مذهب و آیین مردمی است. به همین سبب رویکرد پوپولیسم بر اساس گوناگونی جوامع، می‌تواند در نمودهای متفاوت ظاهر گردد. به بیانی دیگر «پوپولیسم زمانی به وجود می‌آید که "او" به "آن‌ها" تبدیل می‌شود» (تاگارت، ۱۳۸۱: ۱۷۲). چراکه «نظام پوپولیسم همه را یک‌رنگ و یک‌صدا می‌خواهد و می‌بیند» (زیباکلام و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۹-۱)؛ بنابراین توده مردم اصلی‌ترین ابزار قدرت پوپولیسم است؛ به گفتار بهتر «قدرت پوپولیسم پیش و بیش از هر چیزی در ایجاد گسست و توانایی‌اش در به چالش کشیدن ساختار موجود در چهارچوب جهان مدرن چیزی نیست مگر همان مردم.» (کلودمون، ۱۳۸۸: ۶۵).
- بنابراین پوپولیسم در نگاه اول «ناب‌ترین شکل یک امر سیاسی است» (لاکلانو، ۱۳۸۸، ۶۴)؛ اما درحقیقت پوپولیسم بر این پایه شکل گرفته است که «عامه مردم، افرادی ناآگاه، منفعل و فاقد قدرت تشخیص‌اند» (تاگارت، ۱۳۸۱: ۸۷)؛ به همین سبب حکومت‌های پوپولیستی ورای هر شعار یا تعریف آکادمیک، چون با هدف غایی استفاده از قدرت توده مردم برای تسلط بر آنها، پا به عرصه وجود نهاده‌اند، به مرور به سبب عدم روشنگری در بیان اهداف و نیز عملی نشدن وعده‌هایشان، کارکردهای کاملاً متضادی را با مشخصه‌ها آغازینشان به خود می‌گیرند که می‌توان این مشخصه‌ها متضاد منفی را مشخص‌های واقعی پوپولیسم به شمار آورد. به این ترتیب پوپولیسم از یک جنبش آرمانی مردمی برای آزادی، به یک حقه سیاسی برای استثمار دوباره مردم

تبدیل می‌شود و می‌توان گفت که این رویکرد خطرناک پوپولیسم معمولاً در جوامعی که در آن‌ها کشمکش‌های اجتماعی مستمر ناشی از شکاف اجتماعی گوناگونی (شکافت‌هایی چون: شکاف‌های طبقاتی، قومی، ایدئولوژیک، نسلی و...) وجود دارد، بیشتر نفوذ می‌یابد (ر.ک: دلیر پور، ۱۳۸۹: ۵۶). با نظری اجمالی به مطالب یاد شده و نیز روند شکل‌گیری برخی حکومت‌های پوپولیستی و سرانجام آنها، می‌توان گفت که به طور کل مشخصه‌های واقعی پوپولیسم شامل مواردی چون: عوام‌فریبی، قرار گرفتن شخصی به عنوان یک رهبری فرهمند در رأس حکومت و تقدیس او، تعصب، تکیه بر توده محروم، نداشتن ایدئولوژی مشخص، اصلاح‌طلبی، بورژوازی بودن و عناصری از ضدیت با امپریالیسم و ملی‌گرایی است (آقابخشی و افشار زاده، ۱۳۷۴: ۲۴۶) که می‌توان همه یا بخش زیادی از آن‌ها را در ساختار همه حکومت‌ها پوپولیستی مشاهده کرد.

۳. بحث اصلی

۳-۱. درآمدی بر داستان «قلعه حیوانات»

قلعه حیوانات داستانی انتقادی با محتوای سیاسی - اجتماعی است که به شکلی نمادین مسائل مربوط به نظام حکومتی وقت در روسیه را تبیین می‌کند. اورول، در این اثر شکست یک انقلاب آرمان‌گرایانه در جامعه عقب‌افتاده با مردمی خیال‌پرداز را به تصویر می‌کشد (کوشا، ۱۳۷۹: ۱۲). اورول، خود در یکی از نوشته‌هایش در مورد انگیزه نگارش این داستان می‌گوید: «پس از برگشتن از اسپانیا فکر کردم که اسطوره شوروی را موضوع داستانی قرار دهم که برای همه قابل فهم باشد؛ بنابراین شروع به تحلیل نظریه‌های مارکس از دید حیوانات کردم» (اورول، ۱۳۶۳: ۱۱۹). در این داستان حیوانات یک مزرعه، به دنبال شنیدن خوابی عجیب از زبان خوکی پیر به نام «میجر» (Major) سرودی موسوم به سرود «حیوانات انگلیس» را می‌شنوند و این اتفاق، امیدی تازه برای رسیدن به آزادی، برابری و پایان دادن به سلطه استبدادجویانه انسان‌ها در دل‌هایشان ایجاد می‌کند. سپس حیوانات، به صورت پنهانی تلاش و کوشش خویش را

آغاز می‌کنند و در شبی به طور ناگهانی و خودجوش آقای «جونز» (Jones)، صاحب مزرعه را بیرون می‌کنند و خود زمام امور را به دست می‌گیرند.

حیوانات مزرعه، برای تثبیت پیروزی و دستیابی به امنیت و برابری در استفاده از دسترنج خود در این راه دچار سختی‌ها فراوانی می‌شوند؛ در مقابل حمله‌ی انسان‌ها برای باز پس‌گیری مزرعه، شجاعانه می‌ایستند و در عین حال، هر روز بیشتر از روز قبل کار می‌کنند. حیوانات در ابتدای پیروزی‌شان بر انسان‌ها هفت فرمان را به‌عنوان اصول و قوانین همگانی تصویب می‌کنند که پایه‌ی اصلی آنها بر برابری مابین حیوانات و تأکید بر دوری از انسان و ملازمت وی استوار است؛ اما از همان ابتدای داستان، خوک‌ها با توجه به هوشمندی بیشترشان، نقشی محوری‌تر از دیگر حیوانات را بر عهده می‌گیرند. در این بین نقش دو خوک با نام‌های «ناپلئون» (Napoleon) و «اسنوبال» (Snowball) پررنگ‌تر از دیگر خوک‌ها است. خوک‌ها به مرور با آموختن خواندن و نوشتن از روی کتاب‌های انسان‌ها به یادگیری علوم مختلف می‌پردازند و پس از مدتی کوتاه، به عنوان سرکردگان و مغزهای متفکر حیوانات، جایگاه خود را تثبیت می‌کنند.

در این بین اختلاف‌های جزئی اسنوبال و ناپلئون شدت می‌یابد تا جایی که ناپلئون با استفاده از سگ‌هایی که پنهانی پرورش داده بود، اسنوبال را برای همیشه از مزرعه بیرون می‌کند و از آن پس در داستان چیزی جز یک نامی موهوم که بتوان بسیاری از شکست‌ها و بی‌تدبیری‌ها را با آن توجیه کرد، از او باقی نمی‌ماند. در ادامه‌ی داستان، ناپلئون شخصیت متفاوت و خودکامه‌ای از خود نشان می‌دهد که در عین حال هر روز در پی ایجاد تقدس بیشتری برای خود است. در ادامه‌ی داستان وی به بهانه‌ی تأمین هزینه‌های ساخت آسیاب بادی که طرح اولیه‌ی آن را اسنوبال مطرح کرده بود، با انسان‌ها در مزارع دیگر ارتباط برقرار می‌کند، این در حالی است که حیوانات برای کارهای کشاورزی ساخت آسیاب بادی به سختی در تلاش‌اند و همزمان با تنگی معیشت نیز روبرو هستند؛ اما خوک‌ها به مرور و به بهانه‌ی مسئولیت

سخت نظارت و تدبیر امور مدیریتی مزرعه، از انجام کارهای سخت‌شانه خالی می‌کنند و تبدیل به طبقه‌ای مفت‌خور و اشرافی می‌شوند. خوک‌ها با استفاده از بی‌سوادی دیگر حیوانات، در طول داستان، به بهانه‌های گوناگون تمام هفت فرمان را به سود خویش تحریف می‌کنند، تا جایی که در پایان داستان خوک‌ها شخصیت و چهره‌ای به مراتب بسیار بدتر از انسان‌ها پیدا می‌کنند و داستان به صورت یک تراژدی غم‌انگیز عمومی به پایان می‌رسد.

۳-۲. بررسی و تحلیل مشخصه‌های پوپولیسم در داستان «قلعه حیوانات»

همان‌گون که پیش‌تر از این بیان شد، پوپولیسم دارای مشخصه‌هایی است که به سبب انحرافات گوناگون کارکردهای متضادی را به خود می‌گیرد، به‌گفتار دیگر مشخصه‌های مثبت پوپولیسم به‌مرور به شکل کارکردهای کاملاً منفی، دگرگون می‌شوند که در واقع این کارکردهای منفی، مشخصه‌های واقعی یک نظام پوپولیستی محسوب می‌گردند که در این‌بین مؤلفه‌هایی چون؛ تقدیس و وجود رهبری فرهمند در رأس هرم حکومتی، نداشتن ایدئولوژی مشخص، تعصب، عوام‌فریبی، تکیه بر توده مردم عامه، مشخصه‌های اصلی پوپولیسم به‌حساب می‌آیند. در داستان قلعه حیوانات تمام این مشخصه‌ها به اشکال گوناگون و روشن، نمود یافته‌اند که در بسیاری از موارد روند دگرگونی آنها، از کارکرد مثبت به کارکردی منفی قابل تبیین می‌باشد. در ادامه این جستار ضمن توضیح و تفسیر هریک از مؤلفه‌ها و مشخصه‌های پوپولیسم، با ذکر نمونه‌هایی از متن داستان به واکاوی چگونگی نمود و روند دگرگونی آنها در این داستان پرداخته می‌شود.

۳-۲-۱. محوریت یک شخصیت به‌عنوان پیشوا و ایجاد تقدس برای او

یکی از مشخصات پوپولیسم قرارگرفتن شخصی به‌عنوان پیشوا در رأس این جنبش‌ها است. در مورد پدیده رهبری در جنبش‌های پوپولیسمی سخن بسیار رفته است اما آنچه روشن است، این است که رهبران پوپولیسمی عمدتاً کاریزماتیک و معمولاً

شبه‌مذهبی‌اند و در بیشتر موارد این رهبران به قدرت‌های ابر انسانی تفسیر می‌شوند و طینی مذهبی و فرازمینی در جامعه اشاعه می‌شوند. (ر.ک: پور زکی، ۱۳۸۳: ۳۵) به همین سبب این افراد همواره مورد تقدس و بزرگداشت قرار می‌گیرند و نقش آن‌ها روزه‌روز در تمام امورات پررنگ‌تر می‌گردد. اما این شخصیت‌ها معمولاً در جنبش‌های پوپولیستی به مرور از کارکرد و نقش مثبت خود دچار انحراف می‌گردند و کارکرد متضادی با روح و ذات مشخصه پوپولیسم به خود می‌گیرند و از یک چهره مردمی به یک فرد خودکامه و دیکتاتور تبدیل می‌گردد؛ بنابراین برای حفظ جایگاه رهبری خود، نیازمند به نوعی تقدیس برای شخصیت‌هایشان می‌شوند تا بتوانند نوعی مشروعیت را بر رفتارهای دیکتاتوری خود ایجاد کنند؛ البته این نکته نیز قابل ذکر است که ایجاد تقدیس برای این شخصیت‌ها می‌تواند با توجه به فرهنگ‌های گوناگون جوامع پوپولیستی متفاوت باشد.

در داستان قلعه حیوانات ناپلئون به‌عنوان شخصیت تأثیرگذار در جنبش حیوانی، رفته‌رفته ماهیت یک رهبر مثبت پوپولیستی را در داستان به خود می‌گیرد؛ اما ناپلئون به مرور با حذف ناجوانمردانه شخصیتی چون اسنوبال و دور شدن از مبانی جنبش حیوانات، هر روز بیشتر از گذشته دچار انحرافات گوناگون می‌شود؛ تا جایی که اندک‌اندک از شخصیت یک رهبر مثبت در داستان، به شخصیتی منفی و دیکتاتور تبدیل می‌شود؛ به این ترتیب ناپلئون برای ادامه حیات رهبری خود در داستان، نیازمند به نوعی تقدیس برای تأیید کنش‌های خودکامه‌اش می‌شود که این امر با استفاده از چهار ابزار: خطیر و ضروری جلوه دادن جایگاه او، تأیید بی‌چون و چرای درستی گفتار و اندیشه‌های او، عدم حضور مداوم فیزیکی در میان حیوانات مزرعه، نمود یافتن نام آن‌ها در شعارها، مدح‌ها، ستایش‌ها و... اشاره کرد.

در داستان قلعه حیوانات تقدس ناپلئون به‌عنوان یک پیشوای فرهمند، عمدتاً به چهار روش گوناگون صورت می‌گیرد. که در زیر به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۳-۲-۱. خطیر جلوه‌دادن جایگاه ناپلئون به‌عنوان یک پیشوا

یکی از روش‌های تقدیس پیشوا در جوامع پوپولیسمی خطیر جلوه‌دادن جایگاه وی است و این امر با استفاده از ابزارهایی چون رسانه‌ها و تبلیغات انجام می‌گیرد. در داستان *قلعه حیوانات* یکی از ابزارهای تقدیس ناپلئون خطیر و مهم جلوه‌دادن جایگاه وی برای ادامه حیات انقلاب حیوانات است. این امر توسط یک خوک به نام «اسکوئیلر» (Squealer) انجام می‌شود. اسکوئیلر در داستان دارای نقش مأمور ابلاغ اوامر و تبلیغ محاسن ناپلئون است؛ در بسیار از موارد این اسکوئیلر است که نقش اصلی را در متقاعد کردن حیوانات در تمام امور، اگرچه خلاف آرمان‌های جنبش حیوانی نیز باشد، بر عهده دارد. یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌های تبلیغاتی اسکوئیلر ایجاد تقدس خاص برای جایگاه ناپلئون است. وی با تأکید بر درستی رفتار و گفتار و نیز صداقت ناپلئون در خیرخواهی برای انقلاب حیوانی، وی را در قالب یک رهبر مقدس بازنمایی می‌کند. در واقع می‌توان گفت که اسکوئیلر همان رسانه‌ای است که در یک جامعه پوپولیستی در راستای اهداف این جنبش‌ها به فعالیت می‌پردازد. با توجه به این امر می‌توان گفت که خطیر جلوه‌دادن جایگاه پیشوا در جوامع پوپولیستی مقدمه‌ای اصلی برای تقدس شخصیت‌هایی است که به‌عنوان پیشوا خود را معرفی می‌کنند. در داستان *قلعه حیوانات* اسکوئیلر بارها و بارها به روش‌های گوناگون به این امر تأکید دارد و تقبل مسئولیت این امر را جز در توان شخصیت ناپلئون نمی‌بیند. رفقا؛ من مطمئن هستم که هر حیوانی در این مزرعه از فداکاری رفیق ناپلئون که حاضر شده مسئولیت بیشتری را به عهده بگیرد، قدردانی می‌کند. رفقا؛ تصور نکنید رهبری تفنن است! برعکس یک مسئولیت سنگین و جدیست. هیچ‌کس به‌اندازه رفیق ناپلئون به تساوی حیوانات معتقد نیست. او خیلی هم خوشحال می‌شد که به شما اجازه دهد تا خودتان برای خودتان تصمیم‌گیری کنید. اما رفقا چه‌بسا ممکن است شما تصمیم غلطی بگیرید. در این صورت تکلیف چه خواهد بود؟ (اورول، ۱۳۸۶: ۵۶).

۳-۲-۱-۲. عدم حضور فیزیکی پیشوا

از دیگر راه‌هایی که می‌تواند سبب ایجاد تقدس برای یک شخصیت خاص به‌عنوان پیشوا در جامعه پوپولیستی باشد، عدم حضور مداوم فیزیکی این رهبرها در میان جامعه و ابلاغ اوامر و سخنان آن‌ها از طریق دیگران است.

در داستان قلعه حیوانات جورج اورول ناپلئون پس از قرار گرفتن در جایگاه رهبری، هر روز کمتر از روزهای دیگر در میان حیوانات حضور می‌یابد، تا جایی که او دیگر به ندرت در میان حیوانات حاضر می‌شود و دیگر به طور مستقیم برای آنها صحبت نمی‌کند:

ناپلئون کمتر آفتابی می‌شد و تمام وقتش را در خانه سپری می‌کرد. همیشه با تشریفات خاصی از خانه خارج می‌شد و اسکورتی متشکل از شش سگ از نزدیک او را در میان می‌گرفتند و اگر کسی زیاد به او نزدیک می‌شد می‌گریزند. یکشنبه‌ها به ندرت حاضر می‌شد و دستوراتش را از طریق یکی از خوک‌های دیگر که معمولاً اسکوییلر بود، منتشر می‌کرد. (اورول، ۱۳۸۶: ۷۳).

کار به جایی رسیده بود که دیگر تمام دستورات توسط اسکوییلر یا یکی از خوک‌های دیگر به سمع و نظر بقیه می‌رسد. ناپلئون دو هفته یک‌بار هم در انظار ظاهر نمی‌شد. وقتی هم بیرون می‌آمد، نه تنها سگ‌ها در ملازمتش بودند بلکه یک جوجه خروس سیاه‌رنگ هم به‌عنوان شیپورچی پیشاپیش او قدم می‌رفت و قبل از سخنرانی ناپلئون با صدای بلند «قوقولی قوقو» می‌کرد. (همان: ۷۶).

۳-۲-۱-۳. تأیید و تصدیق گفتار، تصمیمات و اندیشه‌های پیشوا

تلاش برای درست و صواب جلوه‌دادن اندیشه‌ها، گفتارها و رفتارها، از جمله کارآمدترین روش‌ها برای تقدیس یک شخصیت خاص به‌شمار می‌آید. در این‌گونه از تقدیس، شخصیت مورد نظر را از هرگونه اشتباه و خطا در رفتار، کردار و اندیشه برکنار می‌دانند و حتی در صورت بروز اشتباه، تمام تلاش‌ها در راستای توجیه آنها مقصور می‌گردد.

در داستان قلعه حیوانات همواره تمامی رفتارها و گفتارها و تصمیمات ناپلئون، از دیدگاه تصدیق به مخاطبان ارائه می‌گردد. حتی در جاهایی که اشتباه ناپلئون برای همه روشن و مشخص است، اسکوییلر با تمام قوا در توجیه و تصدیق آنها برمی‌آید، تا

جایی که شعار «همیشه حق با رفیق ناپلئون است» (اورول، ۱۳۸۶: ۶۲)، در جای جای داستان مشاهده می‌گردد.

برای مثال وقتی «باکسر» (Boxer)، اسب سخت‌کوش مزرعه، در مورد درستی ادعای خیانت از طرف اسنوبال دچار شک و ابهام می‌شود چنین توجیه می‌گردد:

اسکوئیلر خیلی آهسته و البته با قاطعیت اعلام نمود: «رهبر ما، رفیق «ناپلئون» با قطعیت گفته است - با قطعیت رفیق که اسنوبال از همان ابتدا جاسوس جونز بوده است - بله، مدت‌ها قبل از آن که کسی به فکر انقلاب بیفتد». «باکسر» گفت: اوه، پس این‌طور! اگر رفیق ناپلئون چنین چیزی گفته پس حتماً حقیقت دارد. (همان: ۷۸).

در داستان قلعه حیوانات شایعه‌ها و جملات اغراق‌آمیز در ستایش ناپلئون در میان حیوانات بسیار رواج دارد. به طوری که این سخنان به صورت اعتقادی راسخ در گفتار و اندیشه آنها ظهور یافته است:

همیشه عزت و افتخار هر دستاورد موفقیت‌آمیز و هر پیشامد خوبی را به ناپلئون نسبت می‌دادند؛ این کار به صورت عادت درآمد بود. اغلب اوقات شنیده می‌شد که مرغی به مرغ دیگری می‌گوید: «زیر لوای رهبرمان، رفیق ناپلئون، در عرض شش روز پنج تخم گذاشتم!» یا دو گاو درحالی که از خوردن آب برکه لذت می‌بردند، با تعجب به همدیگر می‌گفتند: «به لطف رهبری رفیق ناپلئون آب گواراست» (همان: ۸۷).

۳-۲-۱-۴. مدح پیشوا در قالب شعار و شعر

بارزترین نمونه تقدیس، ستایش اغراق‌آمیز شخصیت‌ها توسط اشعار مدحی است. در داستان قلعه حیوانات این ابزار هم برای تقدیس جایگاه و شخصیت ناپلئون استفاده می‌شود:

احساسات عمومی اهالی مزرعه در شعری که «می‌نی موس» (Minimus) سروده بود، به خوبی انعکاس یافته بود؛ متن شعر به این صورت بود:

ای یاور بی‌پدران! سرچشمه زلال سعادت! آقای سخاوتمند خوکان! اوه وقتی که در آرامش چشمان نافذت که همچون خورشید آسمان است خیره می‌شوم، آتش به جانم می‌افتد، رفیق ناپلئون! عشق سرشار تو به تمام موجودات ارزانی شده است، از برکت وجود تو حیوانی از کوچک و بزرگ، هر روز دو وعده سیر غذا می‌خورد، و روی کاه

تازه می‌غلند؛ در آخورش با آرامش می‌خوابد و تو بیدار هستی و مراقبت می‌کنی، رفیق ناپلئون، اگر روزی صاحب فرزند شوم، از همان دوران کودکی، قبل از این که قد بکشد، به او یاد می‌دهم، تا نسبت به تو وفادار بماند و صادق باشد، بله اولین کلمه‌ای که به زبان می‌آورد این است: رفیق ناپلئون (اورول، ۱۳۸۶: ۸۷-۸۸).

۳-۲-۲. نداشتن ایدئولوژی مشخص

در تمام تحولات اجتماعی نظام‌هایی که بر پایه پوپولیسم بنا می‌شوند، با توجه به اینکه خواست و اراده مردم اصلی‌ترین شعار آنها می‌باشد، و طبیعتاً خواست و اراده اکثریت عامه همواره با چاشنی احساسات همراه است؛ در نتیجه خواست مردم به هیچ وجه یکسان نخواهد بود و به مرور زمان نگاه‌ها و تفکرات و خواست‌های جدید و متفاوت از میان جامعه سر در خواهند آورد و آنچه در ابتدا خط قرمز محسوب می‌شود، به مرور اهمیت خود را به دیگری خواهد داد و به این گونه است که ایدئولوژی خاص، روشن و هدفمند در این جنبش‌ها وجود نخواهد داشت. از نگاه دیگر خود «پوپولیسم یک ایدئولوژی کم‌مایه و سطحی است» (نوآم گیدرن، بارت بانیکووسکی، ۱۳۹۶: ۳۰-۵۱) و با توجه به این امر که «ایدئولوژی‌های کم‌مایه‌انگیزی هستند که برای همه پرسش‌های عمده اجتماعی و سیاسی پاسخ ندارند و بنابراین می‌توانند با دیگر نظام‌های اعتقادی سیاسی جامع‌تر، مانند سوسیالیسم (Socialism) یا لیبرالیسم (Liberalism) سازگار شوند» (همان)؛ به همین سبب در نظام‌های پوپولیستی با یک جریان ایدئولوژی مشخص روبه‌رو نیستیم، بلکه ایدئولوژی‌ها بنا به شرایط گوناگون شکل تازه‌ای به خود می‌گیرند. به بیان بهتر: «ویژگی‌هایی ایدئولوژیک که به پوپولیسم نسبت داده می‌شود، به زمینه‌هایی سیاسی - اجتماعی که در آن بازیگران پوپولیسم دست به بسیج می‌زنند، بستگی دارد» (همان)

در داستان *قلعه حیوانات* می‌توان به روشنی نبود یک ایدئولوژی خاص و مشخص را احساس کرد. در این داستان آرمان‌ها و اهداف جنبش حیوانات، هر روز به شکلی متفاوت جلوه می‌کنند و گاه به کل تحریف می‌شوند.

آشکارترین نمود عدم ایدئولوژی مشخص در داستان *قلعه حیوانات* تغییر و تحریف هفت قانون بود که تحت عنوان «هفت فرمان»، در ابتدای داستان با توافق همه حیوانات و توسط خوک‌ها بر روی دیوار طویله نگاشته می‌شود. این هفت فرمان به‌مرور توسط خوک‌ها و به سود ایشان تحریف می‌شود و هر بار پس از شکستن عملی یکی از آن‌ها، شبانه آن قانون نیز بر روی دیوار طویله تحریف می‌شود و حیوانات به‌خاطر بی‌سوادی و یا کم‌سوادی در تغییر یافتن یا نیافتن آن، دچار سردرگمی می‌شوند. در ادامه مبحث پس از ذکر مواد «هفت فرمان»، با آوردن مثال‌هایی برای روشن شدن چگونگی روند دگرگونی هر یک از این فرمان‌ها، به تشریح عدم ایدئولوژی مشخص حیوانات در این داستان، پرداخته می‌شود.

۱. هر موجودی که روی دو پا راه می‌رود دشمن است ۲. هر موجودی روی چهارپا راه می‌رود یا بال دارد دوست است ۳. هیچ حیوانی لباس نمی‌پوشد ۴. هیچ حیوانی روی تخت‌خواب نمی‌خوابد ۵. هیچ حیوانی الکل نمی‌نوشد ۶. هیچ حیوانی حیوان دیگری را [نمی‌کشد] و نمی‌خورد ۷. همه حیوانات با هم برابرند (اورول، ۱۳۸۶: ۲۸)

۳-۲-۱. فرمان اول

شاید اصلی‌ترین شعار انقلاب حیوانات بیزاری از انسان‌ها و دوری از آنها بود. این شعار به‌صورت یکی از قوانین روشن هفت فرمان در داستان بیان شده است. اما در همان اوایل داستان این قانون به بهانه تصمیم ناپلئون برای فروش بخشی از محصولات مزرعه برای تأمین هزینه‌های ساخت آسیاب بادی شکسته می‌شود و حیوانات نیز با وجود تمام هزینه‌ای که به‌خاطر راندن انسان‌ها از مزرعه متحمل شدند، این قانون‌شکنی آشکار را می‌پذیرند:

یک‌بار دیگر حیوانات نگرانی ناشناخته‌ای را در خود احساس کردند. ارتباط نداشتن با انسان‌ها، دادوستد نکردن، استفاده نکردن از پول، مگر این‌ها جزو اولین تصمیماتی نبود که در اولین میتینگ پیروزمندانه بعد از اخراج جونز اتخاذ شده بود؟ همه حیوانات تصویب شدن این تصمیمات را به‌خاطر داشتند: یا لاقلاً فکر نمی‌کردند به‌خاطر دارند. (اورول، ۱۳۸۶: ۶۳).

«یک مشاور حقوقی به اسم آقای «ویمپر» (Whymper) که ساکن «یلینگدون» (Willingdon) بود، قبول کرده بود که رابط بین قلعه حیوانات و دنیای خارج باشد» (همان: ۶۴).

به این ترتیب ورود انسان به مزرعه بارها تکرار می‌شود تا جایی که در پایان داستان در یک مهمانی مشترک بین خوک‌ها و انسان‌ها، حضور آنها در مزرعه دیگر عجیب و بهت‌آور نخواهد بود. «از پنجره اتاق به داخل خیره شدند. داخل اتاق دور میز طویل، شش زارع و شش خوک ارشد نشسته بودن، درحالی‌که شخص ناپلئون کرسی افتخار را در صدر میز به خود اختصاص داده بود.» (همان: ۱۲۳).

۳-۲-۲. فرمان دوم

از دیگر بندهای ذکر شده در هفت فرمان عدم کشتار و آزار حیوانات توسط یکدیگر بود. در اوایل داستان هنگامی که اختلاف سلیقه ناپلئون و اسنوبال بالا می‌گیرد، ناپلئون سگ‌های درنده‌ای را که خود پنهانی تربیت کرده است را به جان اسنوبال می‌اندازد و اسنوبال برای نجات جان خود برای همیشه از مزرعه فرار می‌کند.

همه حیوانات درحالی‌که از شدت ترس و تعجب زبان‌شان بند آمده بود، جلوی در تجمع کرده بودند و تعقیب و گریز آنها را تماشا می‌کردند. اسنوبال در طول چراگاه که به جاده منتهی می‌شد با سرعت تمام می‌دوید. فقط یک خوک می‌توانست آن‌طور که او می‌دوید، بدود. باین حال سگ‌ها به او نزدیک شده بودند. (اورول، ۱۳۸۶: ۵۴).

پس از فرار اسنوبال و سرنوشت نامعلوم وی، بارزترین نمود کشتار حیوانات توسط سگ‌ها و به دستور ناپلئون در میانه داستان در مزرعه اتفاق می‌افتد؛ در این بخش از داستان ابتدا چهار خوک به سبب خیانت به ناپلئون کشته می‌شوند و سپس حیوانات دیگری نیز به سرنوشت آنها دچار می‌شوند. «وقتی اعتراف آنها تمام شد، سگ‌ها بی‌درنگ گلوی آنها را پاره کردند و ناپلئون با صدایی وحشتناک پرسید آیا حیوان دیگری هست که چیزی برای اعتراف داشته باشد» (همان: ۸۰).

سه مرغی که در انقلاب ناموفق مرغ‌ها رهبری شورش را بر عهده داشتند، جلو آمدند و اظهار داشتند که اسنوبال در خواب بر آنها ظاهر شده و آنها را تحریک کرده تا از دستورات ناپلئون سرپیچی کنند. آنها نیز ذبح شدند. سپس یک غاز جلو آمد و اعتراف کرد که در سال گذشته در طول فصل درو شش خوشه گندم پنهان کرده و شبانه خورده است. بعد گوسفندی اعتراف کرد که در برکه آب آشامیدنی شاشیده است - می‌گفت اسنوبال او را مجبور به این کار کرده است دو گوسفند دیگر اعتراف نمودند ... بدین ترتیب همه آنها درجا کشته شدند. داستان اعتراف‌ها و مجازات‌ها آن‌قدر ادامه پیدا کرد که پشته‌ای از کشته جلوی پای «ناپلئون» به وجود آمد و هوای اطراف به - واسطه بوی خون سنگین شد. (همان: ۸۱)

۳-۲-۲-۳. فرمان سوم

استفاده نکردن از وسایل رفاهی انسان‌ها در ابتدا یکی از قوانین حیوانات بود. حتی نخوابیدن حیوانات بر روی تخت‌خواب یکی از بندهای «هفت فرمان» قرار گرفت. این مورد نیز همانند دیگر موارد توسط خوک‌ها نقض گردید:

تقریباً در همین موقع بود که ناگهان خوک‌ها به خانه جونز نقل مکان کردند و در آنجا اقامت گزیدند. باین‌همه وقتی شنیدند که خوک‌ها نه تنها در آشپزخانه غذا می‌خورند و از اتاق پذیرایی برای استراحت و تفریح استفاده می‌کنند بلکه روی تخت‌خواب هم می‌خوابند، نگران شدند. (همان: ۶۶)

۳-۲-۲-۴. سایر فرمان‌ها

نقض تک‌تک مواد هفت فرمان توسط خوک‌ها همچنان ادامه می‌یابد. یکی دیگر از آنها نقض قانون نخوردن الکل توسط حیوانات است:

چند روز پس از این ماجرا خوک‌ها به طور اتفاقی یک جعبه ویسکی از انبار خانه پیدا کردند. وقتی اولین بار خانه را تصرف کردند، توجهی به آن نکرده بودند. آن شب صدای بلند آواز از خانه بلند شد. وقتی حیوانات آهنگ‌های سرود «حیوانات انگلیس» را در میان آن صداها شنیدند حیرت‌زده شدند. حدود ساعت نه و نیم همه حیوانات آشکارا دیدند «ناپلئون» درحالی که کلاه لبه‌دار مندرس آقای جونز را بر سر گذاشته است از در عقبی بیرون آمد و با سرعت دورتادور حیاط تاخت، و دوباره داخل خانه رفت (همان: ۹۹).

همچنین اصلی‌ترین شعاری که در جای‌جای داستان از زبان حیوانات، خصوصاً گوسفندان در مجالس و میتینگ‌ها در داستان بیان می‌گردد، شعار «چهارپایان خوب‌اند دو پایان بدند» (همان: ۴۹) بود که این شعار به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول جنبش حیوانات، به‌صورت اولین قانون‌ها در هفت فرمان نیز ذکر شده است؛ اما به‌مرور این آرامان و موضع‌گیری نیز کاملاً تغییر می‌کند، به‌طوری‌که در پایان داستان همان گوسفندان به دستور خوک‌هایی که دیگر روی دوپا راه می‌رفتند، شعار تازه‌ای سر می‌دهند:

«گویی با یک علامت، همه گوسفندان ناگهان بع‌بع وحشتناک - چهارپایان خوب‌اند دوپایان خوب‌تر! چهارپایان خوب‌اند، دوپایان خوب‌تر! چهارپایان خوب‌اند، دوپایان خوب‌تر» را شروع کردند (همان: ۱۲۱).

در یک نظر کلی به داستان قلعه حیوانات و عدم ثبات موضع‌گیری‌ها، اندیشه‌ها و تفکرات شخصیت‌های در روند داستان و به‌وجود آمدن تمایز میان آنچه در اول داستان وجود دارد و آنچه در پایان آن دیده می‌شود، می‌توان به‌روشنی نبود یک نوع تفکر و ایدئولوژی مشخص را در انقلاب حیوانات مشاهده کرد و همین نبود ایدئولوژی مشخص عامل اصلی انحراف و نابودی تمام زحمات حیوانات برای رسیدن به یک تحول به معنای واقعی می‌باشد.

۳-۲-۳. عوام‌فریبی

همان‌گون که بیان گردید، واژه پوپولیسم معادل واژه عوام‌گرایی در فارسی است. به همین سبب پوپولیسم بر نقش کلیدی عامه مردم در تمام امور حکومت تأکید دارد. باتوجه‌به اینکه اکثر تحولات اجتماعی پوپولیستی کارکردهای متضادی به خود می‌گیرند که در واقع این کارکردهای متضاد، مشخصه‌های اصلی آن محسوب می‌شوند، در این حکومت‌ها مؤلفه تأکید بر نقش عامه مردم برای تصمیم‌گیری‌ها نیز جای خود را به مشخصه منفی «عوام‌فریبی» می‌دهد؛ به‌این‌ترتیب عوام‌فریبی یکی از مشخصه‌های پوپولیسم است که در تقابل با عوام‌گرایی قرار می‌گیرد؛ بنابراین باتوجه‌به نمود این

مشخصه در جریانات پوپولیسمی، پوپولیسم یک روش سیاسی، عوام‌فریبی یا یک استراتژی انتخاباتی است تا یک ایدئولوژی سیاسی خاص یا یک دکترین (Mammone, Godin&Jenkins,2013,40)، به همین سبب در این‌گونه جنبش‌ها، رهبران آن‌ها برای تسلط بر مردم دست به توجیهات گوناگونی می‌زنند و برای درست جلوه‌دادن تصمیمات سودجویانه خود، قوانین متضاد با اهداف اولیه جنبش را طوری بیان می‌کنند که طبقه عوام جامعه، که اکثریت را نیز تشکیل می‌دهند، آن‌ها را بپذیرند و یا در مقابل آنها موضع‌گیری خاصی نکنند.

در داستان *قلعه حیوانات* جورج اورول، عوام‌فریبی چهره‌بارزی را در تمام بخش‌های داستان از خود نشان می‌دهد. در این داستان تمام انحرافات، قانون‌شکنی‌ها، سودجویی‌ها و قتل‌عام‌ها ... در میان مزرعه از طرف خوک‌ها چنان توجیه می‌شود که هیچ‌یک از حیوانات اعتراضی از خود نشان نمی‌دهند و آنچه را که از زبان خوک‌ها بیان می‌شود، با نگاه تصدیق و تأیید می‌پذیرند. برای مثال؛ در ابتدای داستان هنگامی که معلوم می‌شود که شیر دوشیده شده از گاوها و سیب ذخیره شده، صرفاً توسط خوک‌ها خورده شده است؛ این عمل تبعیض‌آمیز خوک‌ها در مقابل ابهام اعتراض‌گونه حیوانات چنین توجیه می‌گردد:

رفقا! امیدوارم تصور نکرده باشید که ما خوک‌ها این کار را از روی خودخواهی انجام می‌دهیم و یا تبعیض قائل می‌شویم. در واقع بسیاری از ما خوک‌ها شیر و سیب دوست نداریم. من خودم شخصاً از شیر و سیب خوشم نمی‌آید. تنها هدف ما از خوردن این چیزها حفظ سلامتی است. شیر و سیب (رفقا! این مطلب را علم ثابت کرده) حاوی موادی هستند که برای سلامتی یک خوک صددرصد لازم‌اند. کار ما خوک‌ها ذهنی است. اداره و سازماندهی این مزرعه کلاً بسته به ماست. شب و روز برای رفاه شما تلاش می‌کنیم. به‌خاطر شماست که شیر می‌نوشیم و سیب می‌خوریم. هیچ می‌دانید اگر ما خوک‌ها در انجام وظیفه خود شکست بخوریم چه اتفاقی می‌افتد؟ جونز برمی‌گردد! بله «جونز» برمی‌گردد (اورول، ۱۳۸۶: ۳۸).

همچنین هنگامی که خوک‌ها برخلاف قوانین هفت فرمان روی تختخواب خوابیدند و حیوانات اظهار ناراحتی نمودند، اسکوئیلر این عمل خوک‌ها را این‌گونه توجیه می‌کند:

رفقا! حتماً شنیده‌اید که ما خوک‌ها هم اکنون روی تختخواب‌های خانه جونز می‌رویم؟ چرا که نه؟ قطعاً تصور نمی‌کنید که قانونی علیه تختخواب‌ها وجود داشته است؟ یک تختخواب به تنهایی به معنی جایی برای خوابیدن است. اگر درست توجه کنید کپه کاه در آخور هم یک تختخواب است. قانون ملافه‌ها را که جزو اختراعات بشر هستند تحریم کرده بود. ما ملافه‌ها را از تختخواب‌های خانه برداشتیم. البته تختخواب با پتو هم خیلی راحت است! اما رفقا به شما اطمینان می‌دهم آن قدر راحت نیست که ما پس از این همه کار فکری که این روزها انجام می‌دهیم به آن نیازمندیم. رفقا، شما نمی‌خواهید که آسایش ما را سلب کنید، می‌خواهید؟ شما که نمی‌خواهید ما آنقدر خسته شویم که از انجام وظایفمان باز بمانیم؟ مطمئناً هیچ یک از شما دوست ندارد بازگشت جونز را تجربه کند (همان: ۶۷).

۳-۲-۴. تعصب

احساسات عنصر جدانشدنی جنبش‌های مردمی و پوپولیس‌می است. از آنجاکه «سمت‌وسوی حرکات پوپولیس‌می به سوی توده مردم خواهد بود که به راحتی تحریک پذیر و تابع احساساتی هستند که بیشتر از بیرون به آنها تزریق می‌شود» (احمد حسنعلی، ۱۳۸۳: ۴۱-۵۴)، یکی از نمودهای این تحریکات احساسی تعصب است. در این گونه از احساسات فرد یا افراد با دیدی کاملاً جانب‌دارانه، خشک و بدون انعطاف به جنبش خویش نگاه می‌کنند؛ تا جایی که هیچ‌گونه تشکیکی را در ساختمان جنبش خویش نمی‌پذیرند و چشم‌ها را بر بسیاری از واقعیات می‌بندند. در این داستان، حیوانات با نگاهی تعصب‌آمیز به جنبش خویش توجه می‌کنند. تا جایی که در سخت‌ترین شرایط خود را نسبت به آن مسئول و پایبند می‌دانند. حتی زمانی که خیانت‌های گوناگون خوک‌ها برای آنها روشن می‌گردد، باز هم دست از عصبیت خود برنمی‌دارند.

تعصب در این داستان نمودهای گوناگونی دارد. این نمودها در قالب‌هایی چون ابراز بیزاری از تمامی ملزومات انسان‌ها، تلاش و کوشش بی‌دیربغ برای حفظ استقلال و پیروزی مزرعه، تحمل سختی‌های فراوان و نیز عدم پذیرش هرگونه شائبه در مورد عملکرد سردمداران جنبش حیوانات مزرعه بروز و ظهور یافته است.

۳-۲-۴-۱. نفرت از ملزومات انسانی

یکی از نمودهای تعصب در داستان قلعه حیوانات بیزاری و نفرت حیوانات از هرآن-چیزی است که به نحوی به انسان‌ها مربوط می‌شود. این ملزومات از خصوصیات رفتاری انسان‌ها گرفته تا اشیاء و ابزار آن‌ها را دربر می‌گیرد؛ برای مثال: در بخش‌های زیر از داستان حتی روبان‌هایی که با آن یال و دم چهارپایان را تزیین می‌کردند، یک از ملزومات انسانی محسوب می‌شود که با استفاده کردن از آن‌ها به شدت برخورد می‌شود :

مولی (Mollie) پرسید: «آیا من بازهم اجازه خواهم داشت یالم را با روبان بیافم؟»
اسنوبال گفت: رفیق، روبانی که تو تا این حد از آن دم می‌زنی نشان بردگی تو است.
قبول نداری که ارزش آزادی بیش از این حرف‌هاست؟ (اورول، ۱۳۸۶: ۲۲).

اسنوبال روبان‌هایی را که یال و دم‌اسب‌ها را در روزهای بازار با آنها تزیین می‌کردند در آتش انداخت و گفت: «روبان هم لباس تلقی می‌شود و مربوط به انسان-هاست. حیوانات باید برهنه باشند» (همان: ۲۵).

۳-۲-۴-۲. کوشش آرمانی

همان‌گون که بیان شد، یکی دیگر از نمودهای تعصب در داستان قلعه حیوانات تلاش و کوشش بی‌دیربغ و آرمانی آنها برای حفظ استقلال و پیشرفت مزرعه در شرایط بسیار سخت و طاقت فرسا است. حیوانات در تمام شرایط، سخت کار می‌کنند و در مواقع خطر با شجاعت تمام و بدون هیچ‌گونه محافظه‌کاری، درمقابل دشمنان از مزرعه دفاع می‌کنند. حیوانات تمام کمبودها و کاستی‌ها را تحمل می‌کنند و به هیچ‌عنوان به شرایط موجود اعتراض نمی‌کنند و شرایط فعلی را، آن‌هم تحت هر شرایط به دوران حضور انسان‌ها و تسلطشان بر مزرعه ترجیح می‌دهند:

آن سال حیوانات مثل برده کار می‌کردند. اما از کارشان راضی بودند؛ از هیچ تلاشی و از خودگذشتگی دریغ نمی‌کردند، چون خوب می‌دانستند که هر تلاشی می‌کند به نفع خودشان و نسل آینده است، نه یک‌مشت انسان دزد و تنبل. (اورول، ۱۳۸۶: ۶۱).

«می‌دانستند که زندگی فعلی آنها سخت و فاقد هرگونه امکانات رفاهی است، اغلب گرسنه هستند و بیشتر اوقات سردشان است، معمولاً جز هنگام خواب همیشه در حال کارکردن هستند. اما بی‌شک در روزهای گذشته زندگی بدتر از این بوده است. این باور باعث می‌شد که آنها راضی و خشنود باشند. بعلاوه، در آن روزها برده انسان‌ها بودند و حال آزادند.» (همان: ۱۰۳).

۳-۲-۴-۳. اعتقاد کامل به درستی هر تصمیم خوب یا بد در جریان انقلاب حیوانات

عدم پذیرش هرگونه شک در مورد روند تصمیم‌گیری‌های گوناگون در مزرعه توسط خوک‌ها، یکی دیگر از نمودهای تعصب پوپولیستی در داستان قلعه‌ی حیوانات است. شاید یکی از بهترین مثال‌ها برای این مورد در داستان، رفتار اسبی به نام «باکسر» (Boxer) است که در تمام داستان به سختی کار می‌کند و به هیچ وجه در درستی رفتار و کردار خوک‌ها بخصوص ناپلئون دچار تردید نمی‌شود:

سر در نمی‌آورم. باورم نمی‌شود که در مزرعه ما چنین اتفاقی بیفتد. فکر می‌کنم اشتباه از خود ماست. تنها راه حلی که به نظرم می‌رسد این است که باید بیشتر کارکنیم. از این به بعد صبح‌ها یک ساعت زودتر بیدار خواهیم شد (اورول، ۱۳۸۶: ۸۲).

همچنین از جمله دیگر موارد نگاه تعصب‌آمیز به جنبش حیوانی در مزرعه، موضع‌گیری یکی از چهارپایان مزرعه، به نام «کلور» (Clover) پس از واقعه کشتار حیوانات است که خود را در صورت بروز هر اتفاقی به ناپلئون وفادار می‌داند.

ولی - او نمی‌دانست که چرا - به این روز افتاده‌اند؛ جرئت ندارند تا درباره چیزی اظهارنظر کنند، سگ‌ها وحشی‌گرشان در همه‌جا پرسه می‌زنند و آنها شاهد تکه پاره شدن رفقای خود بعد اعتراف به جنایات تکان‌دهنده بوده‌اند. باین حال به انقلاب یا نافرمانی فکر نمی‌کرد. می‌دانست که حتی با وجود همه این بدبختی‌ها وضعیتشان نسبت به زمان جونز خیلی بهتر است، در حال حاضر قبل از هر چیز دیگر لازم است

از بازگشت انسان‌ها جلوگیری به عمل آورند. هر اتفاقی که بیفتد باید وفادار بمانند، سخت‌کار کند، به دستورات عمل کنند و رهبری ناپلئون را قبول داشته باشند (همان: ۸۳).

۳-۲-۵. تکیه بر توان توده محروم و عامه

در جنبش‌ها و جوامع پوپولیستی با توجه به ادعای محوریت نقش مردم در تمام امور، و پذیرش این ادعا توسط مردم و توجه به این امر که در جوامع عوام‌گرا اکثریت از آن توده مردم محروم است، طبیعتاً بیشترین بار تحولات عمده اجتماعی را نیز همین طبقه عامه به دوش می‌کشند و کمترین بازخورد و سود هم از آن همین توده محروم و عامه خواهد بود. به همین سبب می‌توان گفت که «یکی از ویژگی‌های پوپولیسم تکیه بر نهاد ستیزی و تکیه بر اکثریت خاموش است، اکثریت خاموشی که از سیاست دوری می‌جویند و پوپولیسم نیز به آن می‌قبولاند که سیاست امر کثیفی است» (پور زکی، ۱۳۸۳: ۳۶) و همین امر باعث می‌شود که بار سنگین و مشقت آور این انقلابات بر دوش توده محروم و عامه این جوامع قرار گیرد.

در داستان قلعه حیوانات جورج اورول، حیوانات مزرعه که نماد طبقه محروم یک جامعه محسوب می‌شوند، تمامی سختی‌ها را اعم از کوشش و جان‌فشانی برای به نتیجه رسیدن انقلاب، تلاش برای استقلال از انسان‌ها، کوشش برای ساخت آسیاب بادی به-عنوان یک هدف بزرگ و تحمل گرسنگی‌ها و سختی‌های ناشی از بحران‌های گوناگون؛ همگی بر دوش آنها قرار می‌گیرد. در حالی که حیوانات به سختی کار می‌کنند، خوک‌ها که با استفاده از تسلطی که به‌مرور به دست آورده‌اند، در مزرعه آسوده زندگی می‌کنند و با وجود عدم فعالیت خاصی در مزرعه، از دستاوردها و محصولات مزرعه بیشترین بهره را می‌برند:

«خوک‌ها عملاً کار نمی‌کردند و فقط دستور می‌دادند و به کار را بقیه نظارت می‌کردند» (اورول، ۱۳۸۶: ۳۰).

همه حیوانات حتی کوچک‌ترین آنان در جابه‌جایی و جمع‌آوری یونجه کمک کردند. حتی اردک‌ها و مرغ‌ها هم تمام روز در گرمای آفتاب عرق ریختند و دسته‌های یونجه

را با منقارهایشان جابه‌جا کردند و بالاخره توانستند کار برداشت یونجه را دو روز کمتر از مدتی زمانی که «جونز» و افرادش معمولاً برای این کار صرف می‌کردند به پایان برسانند. (همان: ۳۰-۳۱).

در طول آن سال حیوانات حتی از سال گذشته هم بیشتر کار کردند. تجدید بنای آسیاب بادی مخصوصاً با دوبرابر شدن ضخامت دیوارها، و با در نظر گرفتن این که باید در موعد مقرر کار را تمام می‌کردند، کار جان‌فرسایی بود؛ در ضمن باید کار عادی مزرعه را هم انجام می‌دادند. بارها اتفاق افتاده بود که حیوانات احساس کرده بودند در مقایسه با زمان جونز بیشتر کار می‌کنند و غذای کمتری می‌خورند (همان: ۸۵-۸۶).

۴. نتیجه‌گیری

داستان *قلعه حیوانات* جورج اورول، داستانی الگو گرفته از جریانات پوپولیستی است که در آن‌ها توده‌عامه مردم به امید دگرگونی‌های بنیادی در ساختار اجتماعی - سیاسی جامعه خود؛ به رهبری طبقات نخبه و روشنفکر که شعار برابری، برادری و آزادی را سرلوحه گفتمان خود قرار می‌دهند؛ بر ضد طبقه دیگری از نخبگان که حاکم هستند، قیام می‌کنند؛ اما پس از پیروزی قیامشان، به سبب تسلط طبقه نخبه پیشوا بر کرسی قدرت، رفته‌رفته به حاشیه رانده می‌شوند؛ تا جایی که دوباره همان ساختار سلطه گذشته برایشان تکرار می‌شود و جابه‌جایی یک طبقه روشنفکر حاکم با طبقه روشنفکر دیگر، با همان کیفیت گذشته، تنها نتیجه‌ای می‌شود که از قیامشان کسب می‌کنند.

در این داستان خوک‌ها نماینده طبقه روشنفکری هستند که قیام حیوانات علیه انسان‌ها (طبقه روشنفکر حاکم) را با شعار برابری و آزادی رهبری می‌کنند و بعد از پیروزی قیام حیوانات و راندن انسان‌ها از مزرعه، به‌مرور از نظر طبقاتی از سایر حیوانات فاصله می‌گیرند و در نهایت به افراد ظالمی چون انسان‌ها تبدیل می‌شوند.

در این داستان تمام آرمان‌های مثبت پوپولیسم که مبنای آن‌ها بر پایه برابری، برادری و آزادی است به‌مرور با تبصره‌های فراوان دچار دگرگونی منفی می‌شود تا جایی که تمام مشخصه‌های واقعی پوپولیسم چون: قرارگرفتن یک رهبر فرهمند در

رأس قدرت و تقدس افراطی آن، تکیه صرف بر قدرت توده عامه، عوام‌فریبی، ترویج تعصب، نداشتن ایدئولوژی مشخص به ترتیب در قالب مواردی چون: در رأس قدرت قرارگرفتن ناپلئون به‌عنوان یک رهبر دیکتاتور مقدس ماب، تکیه صرف بر توان و کنش حیوانات و عدم فعالیت بدنی مستقیم خوک‌ها، عوام‌فریبی‌های مداوم خوک‌ها، تقویت تعصب کورکورانه در میان حیوانات مزرعه نسبت به انقلاب حیوانی و دگرگونی‌های مداوم هفت فراوان بر اساس منافع خوک‌ها، به سبب عدم درک درست حیوانات از اهداف مشخص‌شده در این هفت فرمان؛ به شکلی کاملاً روشن در این داستان نمود یافته است؛ به‌این‌ترتیب داستان قلعه حیوانات جورج اورول ترسیم‌کننده یک نظام پوپولیستی است که در آن مشخصه‌های بارز پوپولیسم کاملاً قابل تبیین است و در آن می‌توان دگرگونی کارکردهای مثبت پوپولیسم را به کارکردهای منفی به‌روشنی مشاهده کرد.

کتاب‌نامه

- احمدی، حسنعلی (۱۳۸۳)، «پوپولیسم فرهنگی - سیاسی پیامدها و راهکار برون‌رفت»، *مطالعات میان‌فرهنگی*، س ۱، ش ۳، صص ۴۱-۵۴.
- اسدی شهام (۱۳۹۶)، «از اتوپیا تا دیس اتوپیا - نقدی بر درام سیاسی اجتماعی نظام‌های توتالیتری (نمونه موردی قلعه حیوانات)»، *پژوهش در هنر و علوم انسانی*، س ۲، ش ۵، صص ۱۶۰-۱۳۵.
- اورول، جورج (۱۳۷۷)، *قلعه حیوانات*، ترجمه امیر شاهی، امیر، چ ۱۰، تهران: جامی.
- اورول، جورج (۱۳۶۳)، *مجموعه مقالات*، ترجمه اکبر تبریزی، چ ۱، تهران: پیک نو.
- اورول، جورج (۱۳۸۶)، *قلعه حیوانات*، ترجمه ز. علیزاده، چ ۲. تبریز: یاران.
- آریان‌پور، امیرحسین (۱۳۵۴)، *جامعه‌شناسی هنر*، چ ۳، تهران: دانشکده هنرهای زیبا.
- آقابخشی علی و مینو افشاری راد (۱۳۷۴)، *فرهنگ علوم سیاسی*، چ ۱، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- پور زکی، گیتی (۱۳۸۳)، «درکی فراگیر از پوپولیسم»، *کتاب ماه*، س ۸، ش ۸۱، صص ۳۶-۳۲.

بررسی و تحلیل مشخصه‌های پوپولیسم در داستان «قلعه حیوانات» اثر جورج اورول؛ سجادی فر ۱۸۹

- تاگارت، پل، (۱۳۸۱)، پوپولیسم، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: انتشارات آشیان.
- توفیق فر، بهزاد (۱۳۸۸)، «شوالیه مقدس استعمار در قلعه حیوانات»، *زمانه*، س ۸، پیاپی ۷۹-۸۰، صص ۶۸-۷۲.
- حاتمی، عباس (۱۳۹۴)، «پوپولیسم و کورپوراتیسم در پهلوی دوم: ابزارهای نرم برای یک اقتدارگرایی سخت»، *جستارهای سیاسی معاصر*، س ۶، ش ۲، صص ۱-۲۴.
- حبیبی، مجتبی (۱۳۸۲)، «قلعه حیوانات تمثیل تاریخی یا تاریخ تمثیلی»، *ادبیات داستانی*، شماره ۷۱، صص ۱۸-۱۶.
- دلیر پور، پرویز (۱۳۸۹)، «زمینه‌های سیاسی و اجتماعی پوپولیسم و اقتدار طلبی»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، س ۲۴، پیاپی ۲۷۹-۲۸۰، صص ۴۶-۶۱.
- رحیق اغصان علی (۱۳۸۴)، *دانشنامه در علم سیاست*، چ ۱. تهران: انتشارات فرهنگ صبا.
- زرفا، میشل (۱۳۶۸)، *جامعه‌شناسی ادبیات داستانی: رمان نو واقعیت اجتماعی*، ترجمه نسرين پروینی، چ ۱، تهران: فروغی.
- زیباکلام، صادق و دیگران (۱۳۹۰)، «بررسی کارکرد رسانه نوشتاری در ایجاد و گسترش پوپولیسم در ایران»، *فصلنامه فرهنگ و ارتباطات*، س ۱، ش ۱، صص ۱-۲۹.
- ساجدی، طهمورث (۱۳۸۸)، «بررسی پوپولیسم فرانسه و ابعاد ادبی و اروپایی آن»، *نشر دانش*، س ۲۴، ش ۱۱۶، صص ۴-۱۱.
- سلدن، رامان و پیتر ویدوسون (۱۳۷۷)، *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، ترجمه عباس مخبر، چ ۲، تهران: طرح نو.
- عباسی، خیام (۱۳۹۹)، «جستار جامعه‌شناختی در چگونگی شکل‌گیری رمان فارسی؛ خوانش لوکاچی - بوردیوی»، *پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی*، دوره ۲، ش ۳، پیاپی ۳، صص ۱۹۰-۱۴۴.
- قوام، ابوالقاسم، بهنام مینا (۱۳۹۰)، «بررسی شخصیت‌های قلعه حیوانات جورج اورول و باب شیر و گاو کلیله و دمنه»، *ادبیات تطبیقی*، دوره ۳، ش ۵، صص ۲۳۸-۲۲۵.
- کلودمونو، ژان (۱۳۸۸)، «قدرت پوپولیسم»، *مجله گفتگو*، س ۱۷، شماره ۵۴، صص ۶۲-۷۲.
- کوثری، مسعود (۱۳۷۹). *تأملات در جامعه‌شناسی ادبیات*، چ ۱، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

۱۹۰ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

کوشا، سعید (۱۳۷۹)، *بازهم قلعه حیوانات*، چ ۱، تهران: نقش و نگار.
لاکلائو، ارنستو و دیگران (۱۳۸۸)، *در ستایش پوپولیسیم*، ترجمه احمد ایزدی و عباس ارض-پیما، چ ۱. تهران: رخداد.
محمدی، عزیز (۱۳۹۶)، «تمثیل در داستان مزرعه حیوانات نوشته جورج اورول»، *زیبایی‌شناسی ادبی*، دوره ۸، ش ۳۳، صص ۹۳-۸۰.
مختاری، مسروره (۱۳۹۸)، «تحلیل محتوایی رمان «آتش به اختیار» اثر محمدرضا بایرامی بر اساس جامعه‌شناختی ژرژ لوکاچ و لوسین گلدمن»، *پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی*، دوره ۱، ش ۱، پی‌پی ۱-۳۰۲-۲۸۴.
مشایخی، حمیدرضا و مریم پارسا (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی پوپولیسیم در چند داستان کوتاه منتخب از علی اشرف درویشیان و نجیب محفوظ»، *ادبیات تطبیقی*، س ۷، ش ۱۲، صص ۲۹۱-۳۱۴.

Mammone, A., Godin, E., & Jenkins, B. (Eds.). (2013). *Varieties of right-wing, extremism in Europe*, London and New York: Rutledge.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی